

Shiite Currents in Iraq and Developments in the Modern Iraq¹

Arash Daneshmehr

Master's student, Faculty of Humanities, Ayatollah Borujerdi University, Borujerd, Iran.
politicaldevelopment@yahoo.com

Abstract

The purpose of this study is to examine the Shiite currents in Iraq and the developments in modern Iraq. The research method is descriptive-analytical and the results showed that the Shiite currents in Iraq are working hard for the future of state-building in Iraq; Because, the process of state-building in Iraq is formed under the influence of various social, political components, and the pattern of action of the elites; But it must also be acknowledged that the rise to power of the Islamist Shiites in Iraq was not something that pleased the United States, the West and the Arab countries bordering the Persian Gulf. Therefore, the United States was dissatisfied with the rise of Shiite Islamists and sought to prevent this by strengthening its secular Shiite allies. On the other hand, the issue of national identity, jihadists, regional and international countries' policy towards Iraq in cases such as the central government, Kurds, and Sunnis, the issue of fighting corruption, and political approaches of political parties and coalitions are among the factors that threaten the nation-building process. However, it must be acknowledged that this is the best opportunity for the Shiite currents in Iraq throughout its history, and if they take a united approach, they will be able to reduce the challenges ahead.

Keywords: Iraq, Shiite currents, Saddam, Iran, Parliamentary elections.

¹ Received: 2019/12/31 - Revision: 2020/02/04 - Accepted: 2020/03/10

جریان‌های شیعی عراق و تحولات عراق جدید^۲

آرش دانش‌مهر

دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، بروجرد، ایران.

politicaldevelopment@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی جریان‌های شیعی عراق و تحولات عراق جدید است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که جریان‌های شیعی عراق کار دشواری برای آینده دولت‌سازی در عراق دارند؛ چرا که، روند دولت‌سازی در عراق تحت تأثیر مؤلفه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و الگوی کنش نخبگان شکل می‌گیرد؛ اما این را هم باید پذیرفت که به قدرت رسیدن شیعیان اسلام‌گرای عراق چیزی نبود که خوشایند آمریکا و غرب و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس باشد. لذا، ایالات متحده از قدرت گرفتن اسلام‌گرایان شیعه ناخرسند بود و تلاش داشت تا از طریق تقویت هم‌پیمانان شیعی سکولار خود جلوی این اتفاق را بگیرد. از طرفی مسأله هویت ملی، جهادگرایان، سیاست کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی در قبال عراق در پرونده‌هایی چون دولت مرکزی، کردها و اهل سنت، مسأله مبارزه با فساد، رویکردهای سیاسی احزاب و ائتلاف‌های سیاسی از این فاکتورهایی است که روند دولت-ملت‌سازی را تهدید می‌کند. با این حال، این را باید پذیرفت که بهترین فرصت برای جریان‌های شیعه عراق در طول تاریخ این کشور رقم خورد و اگر رویکرد اتحادی را در پیش بگیرند، خواهند توانست چالش‌های پیش رو را کاهش دهند.

کلیدواژه‌ها: عراق، جریان‌های شیعی، صدام، ایران، انتخابات پارلمانی.

مقدمه

عراق پس از جنگ جهانی اول و شکست امپراتوری عثمانی، نیز، همچون سایر متصرفات متفقین در خاورمیانه، به قیومیت آن‌ها درآمد. بر طبق موافقت‌نامه سایکس-پیکو که به طور محرمانه و در سال ۱۹۱۶م به امضاء رسید، عراق جزئی از قلمروی اشغالی بریتانیا درآمد و تحت نظارت آن اداره می‌شد. به این ترتیب که در سال ۱۹۲۰م از به هم پیوستن سه ایالت منطقه میان‌رودان، یعنی ایالت‌های بصره، بغداد و موصل و با حمایت بریتانیا و سایر متفقین کشور عراق شکل گرفت. یک سال بعد از تشکیل کشور عراق، ملک فیصل اول با حمایت بریتانیا و با رأی‌گیری عمومی به پادشاهی عراق انتخاب شد. در سال ۱۹۳۰م شیعیان عراق تصمیم گرفتند علیه حکومت دست‌نشانده انگلستان قیام کرده تا بتوانند خود، کشوری مستقل برپا نمایند که به علت همراهی نکردن قبایل سنی که غالباً مورد کمک بریتانیا قرار داشتند، این قیام شکست خورد. از این رو، حکومت شروع به تحت فشار قرار دادن و تحمیل فقر، به شیعیان عراق کرد. در سال ۱۹۳۲م قیومیت انگلستان به پایان رسید و این کشور رسماً به استقلال دست یافت. در همان سال، عراق به عضویت سازمان ملل متحد درآمد. پس از گذشت یک سال، غازی اول، فرزند فیصل به پادشاهی عراق رسید. بعد از مرگ غازی اول، پادشاهی به فرزندش فیصل دوم رسید و پادشاهی وی تا سال ۱۹۵۸ با کودتای ضدسلطنتی فروپاشید و بعد از آن حزب بعث قدرت را به دست گرفته و تا سال ۲۰۰۳ قدرت در دست آنها بوده است. نکته‌ی مهم در این رابطه، این است که علی‌رغم جمعیت بالای شیعه در عراق، حدود ۶۵ درصد، (کریمی، ۱۳۸۷، ص ۴۶-۶۵) و از همه مهم‌تر حوزه‌ی علمیه نجف به‌عنوان یکی از مراکز جهان تشیع در آن دوران از سویی دیگر، شیعیان در تاریخ معاصر عراق در ساختار سیاسی به دلیل نوع نظام سیاسی آن کشور (پادشاهی- دیکتاتوری میلیارشی) نقشی نداشتند و در بدترین شرایط سیاسی- اجتماعی و اقتصادی قرار داشتند؛ تا اینکه، با سقوط صدام در سال ۲۰۰۳م جریان‌های فکری عراق دوباره احیا شدند و در فرآیند دولت- ملت‌سازی عراق نقش ایفا کردند. در این مقاله، ضمن معرفی جریان‌های سیاسی شیعه در عراق به نقش آنها در فرآیند دولت- ملت‌سازی اشاره خواهد شد.

تعریف مفاهیم

جریان و جریان‌شناسی

در لغت‌نامه دهخدا جریان، به سکون راء- معادل خروج و پیشرفت، صدور و اتفاق و وقوع و طلوع و (به فتحه راء) معادل رفتن آب و جز آن، رفتن، روان شدن، به حرکت درآمدن و به توج در آمدن معنا شده است. با وجود این، در تعریف جریان، آن را تشکل، جمعیت و گروه اجتماعی معینی نامیده‌اند. افزون بر مبانی فکری، از نوعی رفتار ویژه اجتماعی نیز برخوردار است (طالقانی، ۱۳۸۲، ص ۱۵-۱۷) جریان را به چهار دسته فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تقسیم می‌کنند.

جریان‌های فکری شیعی در عراق

شیعیان عراق، هم از نظر تعداد و هم از نظر تأثیر فکری و ایدئولوژیک، مهم‌ترین گروه شیعه در جهان عرب به‌شمار می‌روند. حدود ۶۵ درصد جمعیت عراق را شیعیان تشکیل می‌دهند که اکثر آن‌ها عرب‌اند، ولی شمار اندکی کُرد، تُرکمن یا فارس‌های عرب شده را نیز در برمی‌گیرند. شیعیان از نظر قرار گرفتن در موقعیت جغرافیایی، بیشتر در مناطق جنوبی و مرکزی زندگی می‌کنند. مناطق شیعه‌نشین به دلیل منابع غنی نفت و گاز از نظر جغرافیای اقتصادی دارای اهمیت راهبردی است. شیعیان همواره در طول تاریخ و به‌طور مشخص از جنگ جهانی اول با ورود استعمار

انگلیس، به عنوان یک گروه مبارز در مقابل حکومت‌ها مطرح بوده‌اند؛ گرچه درجه، شدت و ضعف مبارزاتشان به دلیل فشار و سرکوب از سوی حکومت‌ها متفاوت بودند. از نظر تاریخ سیاسی، در مورد ریشه‌های حذف شیعیان از مشارکت فعالانه در ساختار سیاسی عراق، عوامل زیادی مطرح بوده است (خرم شاد و نادری، ۱۳۹۰، ص ۱۶۵-۱۶۶)، اما آنچه بدیهی است شیعیان پس از سقوط صدام قدرت بلامنازعی پیدا کرده‌اند که این مهم بر بار اهمیت و تدقیق در نگرش‌های سیاسی نیروهای مختلف آن‌ها حائز توجه می‌نماید. از جمله مهم‌ترین جریان‌های شیعی فعال در عراق می‌توان به جریان‌های زیر اشاره کرد:

جریان‌های فکری سیاسی - فرهنگی

به طور کلی می‌توان گفت که جریان‌های سیاسی شیعه در عراق از قدمت و سابقه‌ای طولانی، بهره‌مند بوده‌اند. شیعیان عراق همواره از جریان‌های سیاسی شیعه حمایت کرده‌اند. با سقوط رژیم بعث در این کشور و برپایی انتخابات، مردم عراق، تعلق خاطر خود را به جریان‌های شیعی با انتخاب آنها برای اداره حکومت نشان دادند و حقوق تضييع شده شیعیان را طی سال‌های متمادی به دست آوردند.

حزب الدعوه الاسلاميه

در مورد تاریخ تأسیس آن اختلاف وجود دارد، اما دهه ۱۹۶۰م مهم‌ترین تاریخ آن است (موصلی، ۱۹۹۸م، ص ۱۳۲). فعالیت علنی آن با به قدرت رسیدن حزب بعث در سال ۱۹۶۸م آغاز شد. حزب الدعوه، مهم‌ترین حزب شیعی در ساختار سیاسی عراق است (خرم‌شاد و نادری، ۱۳۹۰، ص ۱۶۷). آیت‌الله صدر با نوشتن کتاب فلسفه ما و اقتصاد ما، در عمل، به چالش با گروه‌های چپ‌گرا پرداخت و زمینه را برای پایه‌گذاری حزبی با عنوان «حزب الدعوه» از سوی ایشان فراهم آورد.

مجلس اعلای انقلاب اسلامی

در پی اعدام سید محمدباقر صدر و روحانیان دیگر در سال ۱۹۸۰م و آغاز جنگ ایران و عراق، شمار زیادی از روحانیان عراقی به همراه بسیاری از طرفداران‌شان به ایران رهسپار شدند. این روحانیان که پیش از این در عراق تحت جریان سیاسی «جماعه العلماء» فعالیت می‌کردند، در ایران با محوریت آیت‌الله سید محمدباقر حکیم به تأسیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق مبادرت ورزیدند. مشی اساسی فعالیت‌های مجلس اعلا، سیاسی، فرهنگی و عقیدتی است و تا زمان سقوط رژیم بعثی بر تحریک‌های شبه‌نظامی نیز تأکید داشت؛ در گذشته مبانی نظری عقیدتی آن‌ها مبتنی بر نظریه‌ی «ولایت‌فقیه» بود و به مثابه‌ی «دولت خودخوانده و در تبعید» تلقی نمودند (روزنامه شرق، ۱۳۹۰/۳/۲۶).

اما در شرایط عراق پس از صدام، متأثر از تجارب رهبران این مجلس در خصوص مسائلی مانند تحولات داخلی ایران، مقتضیات جامعه‌شناختی عراق و راهبرد هژمونیک آمریکا در کشور عراق، رویکرد اساسی مجلس، با توجه به اکثریت شیعی جمعیت عراق دنبال «پیگیری نهاده‌سازی فرآیندهای دموکراتیک در عراق» است. چرا که نهاده‌ی شدن ایستارهای دموکراتیک در عراق، در مجموع با توجه به اکثریت جمعیتی شیعیان به نفع آنان بوده است. مجلس اعلا، پس از سقوط صدام، مهم‌ترین محور فعالیت خود را در قبال شکل‌گیری ساختار دولت آینده عراق، کمک به فروپاشی نظام حکومتی سنی محور و تشکیل نظام سیاسی شیعه محور قرار داد؛ در عین حال، در عمل درصدد رفع نگرانی دولت‌های عربی در زمینه نقش و جایگاه شیعیان در دولت عراق بود (دهشیار، ۱۳۸۲، ص ۵۶).

سازمان عمل اسلامی

در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰م مقارن با اوج‌گیری فشارهای حزب بعث بر مخالفان، به‌ویژه مبارزان اسلامی، تشکلی توسط افرادی مانند آیات سید محمد شیرازی، سید محمدتقی مدرس، شیخ محسن حسینی و سید هادی مدرس‌ی پاگرفت (الرفاعی، ۲۰۱۴م، ص ۴۵) که در نوع و شیوه مبارزاتی خود، در قیاس با معارضان پیشین، به‌طور مشهود تفاوت داشت. آغاز فعالیت این تشکل به سال‌های میانی دهه ۶۰م برمی‌گردد، زمانی که احزابی مانند حزب الدعوة قریب یک دهه از تحرک‌ها و فعالیت‌های خود را سپری کرده و فراز و نشیب‌هایی را طی کرده بودند، دلیل این تشکل نیز، تمایل این گروه در به‌کارگیری شیوه‌های به نسبت خشونت‌آمیز و به تعبیری، خط و مشی مسلحانه است که در میان گروه‌های معارض عراقی شناخته شده بود؛ اما در زمینه‌ی رویکردهای «سازمان عمل اسلامی» پس از سقوط رژیم بعث باید گفت، اگرچه عمده اعضاء و هواداران آن در عراق در شهر کربلا و جنوب عراق قرار دارند. تعمیق مرجعیت سید محمدتقی مدرس و انجام فعالیت‌های فرهنگی از جمله توزیع کتب متعدد این عالم و همچنین سید هادی مدرس، مدیریت حوزه‌های علمیه این سازمان در سوریه و ایران از عمده‌ترین فعالیت‌های این گروه است (متقی‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۷۸).

جریان شیعیان سکولار

برخی از شیعیان سکولار عراقی، سکولاریزم را تاکتیکی برای استمرار حضور جریان شیعه در حاکمیت می‌دانند که نماینده‌ی فکری این جریان برخی روحانیون سنتی حوزه نجف، همچون محمدباقر بحر العلوم فعال در صحنه سیاسی عراق می‌باشند؛ اما بخشی دیگر از این جریان، سکولاریسم را با نگاهی بر روند مواضع و ائتلاف‌های سیاسی در عراق جدید بیشتر حامیان این نگاه بعثیون جدا شده از حزب بعث (جریان علاوی) می‌باشند. به‌طور کلی شیعه‌ی سکولار، یک شیعه با هویت بسیار ضعیف به شمار خواهد رفت (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۲). در صحنه سیاسی عراق جدید، حزب وفاق وطنی نمایندگی جریان شیعه پان عربی سکولار و کنگره ملی نماینده جریان شیعه‌ی لیبرال میانه‌رو را بر عهده دارند.

جریان‌های فکری - فقاهتی

گروه‌های اسلام‌گرای سیاسی شیعه، تنها جریان تأثیرگذار در میان شیعیان نیستند. جریان‌های کم‌تر سیاسی و سنتی شیعه که در چارچوب حوزه‌های علمیه نجف، کربلا، کاظمین و سامرا سازمان یافته‌اند، از نفوذ چشمگیری میان شیعیان عراق برخوردار هستند. جریان فقهاتی حوزه‌های شیعه، در دوران رژیم بعث، ضرورت‌های مصالحه و وحدت را بیش از پیش درک کرده باشند و تحت کنترل شدید حزب بعث و در خفقان و انزوای کامل بودند. با سقوط صدام، حوزه‌ی نجف خود را با تحولات سیاسی در آمیخت و نقش بسیار سازنده‌ای در دولت - ملت‌سازی ایفا کرد. هم‌اکنون، می‌توان جریان فقهاتی حوزه‌ی نجف را به چند دسته تقسیم نمود.

حوزه آیت‌الله سید علی حسینی سیستانی

با درگذشت آیت‌الله‌العظمی سید ابوالقاسم خویی در سال ۱۹۹۲م، آیت‌الله سیستانی مرجعیت اسلامی شیعیان عراق را به عهده گرفت و به چهره‌ی با نفوذ حوزه‌های علمیه شیعه در این کشور تبدیل شد. وی شمار زیادی پیروان (مقلدان) را درون و بیرون عراق دارد. در واقع، آیت‌الله سیستانی به تعبیری هم‌اکنون رهبری مسلم دینی شیعیان عراق و در کنار مراجع ایرانی از مراجع مطرح جهان تشیع می‌باشد، چرا که افزون بر عراق، پاکستان، افغانستان، عربستان، کشورهای عربی حوزه‌ی خلیج فارس، شیعیانی هم در اروپا، آمریکا و ایران از وی تقلید می‌کنند (برنابلداجی، ۱۳۸۷، ص ۷۰).

آیت‌الله سیستانی یکی از مهم‌ترین طیف‌های فکری را در حوزه نجف تحت کنترل و هدایت دارد (برنابلداجی، ۱۳۸۷، ص ۷۳).

حوزه آیت‌الله‌العظمی سید ابوالقاسم خویی

پس از درگذشت آیت‌الله‌العظمی خویی از مراجع اعلای شیعیان جهان، پسران وی همچنان به فعالیت‌های فرهنگی، در حوزه‌ی شیعیان عراق و بیرون از آن ادامه دادند. آنها با تأسیس بنیادی با نام بنیاد خویی در لندن، برای انجام فعالیت‌های فرهنگی، مذهبی و سیاسی، باعث جذب بسیاری از اعضاء، هواداران و پیروان آیت‌الله خویی شده بودند. این بنیاد به کانون تبادل نظر درباره‌ی مسائل مربوط به اسلام و گسترش مردم‌سالاری، بهبود روابط سنیان و شیعیان و روابط اسلام‌گرایان و سکولارها تبدیل شد. این بنیاد با تأسی به مرحوم آیت‌الله خویی، از سیاست دوری می‌گزیند و با این حال از سنت فرهنگی و فکری شیعه به شدت پشتیبانی کرده، با استناد به دلایل انسان دوستانه از منافع شیعیان دفاع می‌کند. بنیاد خویی با دوری جستن از آشوب‌های سیاسی و پرداختن به موضوع‌های سیاسی از دیدگاه فکری و با روحیه‌ی آشتی‌جویانه، در جلب توجه طیف گسترده‌ای از اندیشمندان عراقی و دیگر اندیشمندان عرب شیعه موفق بوده است. این بنیاد، همچنین، از پایگاه مالی بسیار چشمگیری برخوردار است و در دو دهه‌ی گذشته، توانسته با هدایت کمک‌های بشردوستانه حاصل از بنیادهای نیکوکاری اروپایی، آمریکا و نیکوکاران عراقی مقیم اروپا و کشورهای کرانه‌ی خلیج فارس به سوی مردم عراق، نگاه مساعدبخش چشمگیری از توده‌های مردم و طیف میان‌رو گروه‌های معارض مانند حزب الدعوه و اشخاص مستقل مانند دکتر حسین شهرستانی را در درون و بیرون از عراق به خود جلب نماید (برنابلداجی، ۱۳۸۳، ص ۱۴-۱۶).

حوزه آیت‌الله صدر

با درگذشت آیت‌الله خویی، نوعی شکاف نسلی در میان پیروان این مرجع پدید آمد. شیعیان بزرگسال به آیت‌الله سیستانی اقتدا کردند؛ درحالی‌که نسل نو، آیت‌الله محمدصادق صدر، برادر محمدباقر صدر معروف به صدر ثانی را مرجع تقلید خود قرار دادند. سیستانی، همچنان که گذشت، در رژیم بعثی با دخالت آشکار در سیاست میان‌ه‌ی خویی نداشت، درحالی‌که صدر، به دیدگاه حکومتی شیعه و دخالت مستقیم و آشکار در سیاست نگاه ویژه‌ای داشت. این امر منجر به اختلاف میان این دو مرجع بزرگ بود. با شهادت آیت‌الله سید محمدصادق صدر به همراه چند تن از پسرانش به دست نیروهای امنیتی رژیم بعث در سال ۱۹۹۹م، ریاست حوزه‌ی صدر را مقتدا صدر، جوان‌ترین فرزند او به عهده گرفت. صدر جوان، گروه «جماعت الصدرالثانی» را تشکیل داد و در حال حاضر مدعی رهبری حوزه‌های علمیه شیعه در عراق است. اندکی پس از فروپاشی رژیم صدام، نیروهای مسلح تحت رهبری وی (موسوم به جیش المهدی) تأسیس شد. شهر کوفه و شهرک صدر بغداد یکی از شهرهای اصلی محل سکونت شیعیان طرفدار مقتدا صدر است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۱۰). هدف اصلی جریان صدر، مشارکت و دخالت در سیاست، جهت دولت‌سازی در عراق است.

سید کاظم حائری

آیت‌الله سید کاظم حائری، یکی از مراجع شناخته شده عراقی و از هم‌درسی‌ها و نیز از شاگردان برجسته‌ی آیت‌الله شهید سید محمدباقر صدر است. او از سال ۱۹۷۳م در شهر قم سکونت دارد. برخلاف عدم حضور او برای سالیان طولانی در عراق، وی همچنان از سوی مقتدا صدر یک راهنما شناخته می‌شود و حائری نیز به صدر باور و اعتقاد دارد. آیت‌الله کاظم حائری، خواهان حکومتی همانند ایران در عراق است. با توجه به ویژگی‌های شخصیتی و پیشینه آیت‌الله سید کاظم حائری همچنان از درون ایران، پیگیر مشکلات و مسائل و خواسته‌های توده‌های مردم عراق

می‌باشد. به‌طور کلی، سیاست‌ها و مواضع او در قبال تحولات جاری عراق با ج.ا. ایران هم‌گرایی بسیاری دارد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۱۳).

جریان‌های سیاسی

این جریان‌ها اغلب بعد از سقوط صدام و از سال ۲۰۰۳م به دلیل شرایط سیاسی عراق ظهور پیدا کردند، گرچه بعضی از رهبران آنها قبل از سقوط صدام عضو حزب دعو، مجلس اعلای اسلامی، حوزه علمیه صدری‌ها و... بودند. این جریان‌ها از سال ۲۰۰۳م مستقیم وارد حوزه‌ی تحولات سیاسی عراق شدند و به مناصب سیاسی بالایی دست یافتند تا بتوانند روند دولت سازی در عراق را تثبیت کنند. این جریان‌ها عبارت‌اند از:

جریان صدری‌ها

برخی از جریان‌های شیعی در عراق مدعی هستند که پیرو تفکر شهید صدر هستند؛ به‌عبارت دیگر، خود را «جریان صدر» می‌نامند. از بارزترین این مجموعه‌ها می‌توان به مجموعه‌های ذیل اشاره کرد:

۱) «جریان مقتدی صدر» (التیاری الصدري الرئیس) به ریاست مقتدا صدر که در آن، مجموعه‌ای از روحانیان معمم و غیر آن حضور دارند؛ مانند عبدالهادی الدراجی، صلاح العبیدی، حازم الأعرجی و إیهاب الأعرجی. به‌طور مشخص، مرجع این گروه پس از شهادت سید محمدصادق صدر، آیت‌الله کاظم حائری بوده که اکنون در ایران (شهر قم) ساکن است.

۲) «حزب فضیلت» که امروزه در رأس آن هاشم الهاشمی حضور دارد، تحت رهبری آیت‌الله محمد یعقوبی که از شاگردان شهیدان صدر (اول و دوم) بوده و در حال فعالیت است. این مجموعه از حیث آنکه رهبرش در بصره ساکن است، مرکزیت خود را این شهر قرار داده و عمده نفوذش نیز در همین شهر است.

۳) مجموعه‌ی «محمود الصرخی»، مجموعه‌ی کوچکی که از کربلا نشئت گرفت و در برخی جاهای دیگر رخنه کرد و انتقادات شدیدی به حکومت عراق، ایران و احزاب شیعی دیگر دارد.

۴) جامعه‌ی «القاضی الیمانی»، یا «جند السماء» چنان‌که در کتاب وسائل الاعلام معرفی شده‌اند، در مقابل گروه‌های نظامی دیگر احزاب شیعی، سلاح به دست گرفتند و در این صف‌آرایی با به‌کار گرفتن زنان و کودکانشان در مقابل سایر احزاب شیعی آرایش جنگی خود را کامل نمودند. همواره بقایای این گروه در بعضی مناطق جنوب عراق دور از چشم نیروهای نظامی رسمی فعالیت می‌کنند. به سبب ممنوع شدن فعالیت آنها از سوی حکومت و مقابله سایر گروه‌های شیعی با آنها، فهم افکار این گروه مشکل است؛ اما آنها آن‌گونه که آشکار شده، به روش خاص فکری خودشان، منتظر امام مهدی (ع) هستند و مسلحانه در مقابل احزاب و گروه‌های نظامی که اعتقاد به تأخیر ظهور دارند، می‌ایستند.

۵) گروه‌های کوچک دیگری هستند که جهت‌گیری‌های فکری سیاسی‌شان مشخص نیست. این گروه‌ها در ساحت سیاسی عراق، تأثیر آن‌چنانی ندارند.

ائتلاف ملی عراق

در انتخابات سال ۲۰۰۵م عراق گروه‌های شیعه این کشور ائتلافی تشکیل دادند که بعدها به نام «ائتلاف ملی عراق» معروف شد. ریاست این ائتلاف بر عهده ابراهیم جعفری بود و بعدها از حمایت آیت‌الله سیستانی و مقتدا صدر برخوردار شدند. احزاب و گروه‌های شیعی که عضو این ائتلاف بودند می‌توان «مجلس اعلای عراق»، «حزب فضیلت اسلامی» و «حزب اصلاح وطن» را نام برد.

ائتلاف میهن عراق

جریان شیعیان سکولار

این جریان بیشتر بعد از ۲۰۰۳م در عراق ظاهر شد و هدفشان دولت‌سازی در عراق است. در صحنه سیاسی عراق جدید حزب وفاق وطنی نمایندگی جریان شیعه پان عربی سکولار و کنگره ملی نماینده جریان شیعه لیبرال میان‌ه‌رو را بر عهده دارند.

ائتلاف‌های جدید

برای انتخابات مجلس در سال ۲۰۱۸م گروه‌ها و جریان‌های سیاسی شیعه در عراق به دلیل رقابت و حساسیت انتخابات دست به ائتلاف زدند که این ائتلاف‌ها عبارتند از:

(الف) ائتلاف نصر و اصلاح به رهبری حیدر العبادی؛

(ب) ائتلاف فتح به رهبری ابوحنسن عامری؛

(ج) ائتلاف دولت قانون به رهبری نوری مالکی؛

(د) ائتلاف سائرون لاصلاح به رهبری مقتدی صدر؛

(ه) جریان حکمت ملی به ریاست عمار حکیم (خبرگزاری مشرق نیوز، ۱۲ اسفند ۱۳۹۶).

جریان‌های فکری - نظامی شیعه

در کنار جریان‌های فرهنگی و سیاسی شیعه در عراق، پس از سقوط صدام، جریان‌های نظامی که هدفشان هم‌ملت-دولت‌سازی بود، تشکیل شدند. این جریان‌ها هم نقش مهمی در حال و آینده عراق خواهند داشت. اصولاً نیروی نظامی در روند دولت‌سازی دموکراتیک می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری دولت‌های قوی باشد. دولت‌های قوی دارای شکل‌بندی‌های دموکراتیک، دولت دیکتاتور یا سرکوب‌گر بوده‌اند. هریک از دولت‌های یاد شده می‌تواند برای مدت طولانی روندهای دولت‌سازی را به وجود آورد. برخی از رهیافت‌های سیاسی، برای ارتش در روند دولت‌سازی دموکراتیک نقشی تعیین‌کننده قائل هستند. ناگفته نماند ارتش در سوریه، یمن، ترکیه و پاکستان چنین نقشی را در دوران‌های مختلف تاریخی ایفا کرده است. یکی از چالش‌های اصلی دولت‌سازی عراق را می‌توان فقدان ساختار نظامی و ارتش همبسته‌ساز دانست. بررسی‌های تاریخی کشورهای خاورمیانه نشان می‌دهد که شرایط سیاسی حکومت‌های ضعیف غالباً ارتش را وا می‌دارد تا به عنوان تنها تشکیلات دارای قدرت یا تنها تشکیلات دارای مشروعیت ملی برای حفظ یکپارچگی حکومت، وارد صحنه اداره کشور شود (گازپوروسکی، ۱۳۷۹، ص ۳۱۰)، در شرایطی که ارتش نقش ساختاری ایفا نکند و گروه‌های اجتماعی نیز درگیر رقابت‌های سیاسی برای کنترل قدرت باشند، بحران امنیتی ایجاد می‌شود. در چنین شرایطی، هر گروه نسبت به اینکه حیات چه کسانی و نیز کدام قلمروها از اهمیت برخوردارند، تابعی از جنگ خواهد بود. ارزش‌های ملی از هر سنخ نیز تابعی از جنگ قدرت است. دولت‌سازی دموکراتیک نیازمند ارتشی است که کارکرد ساختاری خود را در کوتاه مدت انجام دهد و زمینه انتقال قدرت را به وجود آورد. ارتش در روند دولت‌سازی دموکراتیک به موازات حرکت به طرف انتهای ضعیف طیف، کارکرد الزام‌آور بر اساس ابزارهای خشونت را از دست می‌دهد (آزر و این مون، ۱۳۷۹، ص ۴۸).

اما مهم‌ترین جریان‌های نظامی شیعی عراق عبارتند از:

گردان «ابوالفضل العباس» یا «لواء ابوالفضل العباس»؛ این گردان که متشکل از چند گروه نظامی شیعی عراقی است (به طور رسمی در اول فوریه سال ۲۰۱۳م با هدف حفاظت از آرامگاه حضرت زینب) در سوریه اعلام موجودیت

کرد. اعضای این گردان را علاوه بر گروه «الیوم الموعود» وابسته به «جریان صدر» به رهبری «مقتدی الصدر» و گروه «عصائب أهل الحق» به رهبری «شیخ قیس الخزعلی» وابسته به «جیش المهدی» گروهی از اعضای حزب الله لبنان و اتباع عراقی ساکن دمشق تشکیل می‌دهند. فرماندهی این گردان را فردی به نام حسین ابوعجیب از شیعیان عراقی ساکن سوریه بر عهده دارد که دارای ارتباط نزدیکی با نیروی «قدس» سپاه پاسداران است (مستند جدارالماء: مصاحبه با سران الحشد الشعبی).

گروه عصائب اهل حق؛ مجوز فعالیت نظامی گروه «عصائب اهل حق» عراق به دبیر کلی «شیخ قیس خزعلی» را آیت الله محمود هاشمی شاهرودی صادر کرده است. «عصائب اهل حق» اعلام کرده، حضور نیروهای آمریکایی در خاک عراق به نام «ائتلاف» در برابر «داعش» را به منزله اشغال خاک این کشور می‌داند و مانع دولت‌سازی و ناامنی در عراق است و با این نیروها وارد جنگ خواهد شد. «عصائب اهل حق» از جمله گروه‌های شیعه عراقی است که معتقد به «ولایت فقیه» و ولایت آیت الله علی خامنه‌ای است (گلی، ۱۳۹۶، ص ۹۲).

سرایا السلام؛ نام قبلی این گروه «جیش المهدی» بود و مقتدی صدر روحانی شیعه در عراق رهبری آن را بر عهده دارد. «لواء الیوم» نام دیگر گروه «سرایا السلام» است. سرایا السلام یکی از گروه‌های نظامی در عراق است که پس از سقوط شهر موصل به دست داعش، توسط مقتدی صدر راه‌اندازی شد. مقتدی صدر پس از اشغال شهر موصل به دست داعش و صدور فتوای جهاد کفایی از سوی آیت الله علی سیستانی، گروه «سرایا السلام» را تشکیل داد. بسیاری از اعضای این گروه در گذشته عضو «جیش المهدی» و «لواء الیوم الموعود» بودند. در ابتدا هدف گروه «سرایا السلام» تنها حفاظت از مساجد و اماکن مقدس شیعیان و اهل سنت عراق بود، اما بعداً اعضای این گروه در درگیری‌های متعدد با «داعش» در مناطق مختلفی همچون سامراء، دیالی، امرلی و جرف الصخر شرکت کردند (مستند جدارالماء: مصاحبه با سران الحشد الشعبی).

حزب الله عراق؛ «حزب الله عراق» در واقع بخشی از «حزب الله لبنان» به رهبری سید حسن نصرالله است که از سوی «واتق الباط» بنیان گذاشته شد.^۳

کتاب سیدالشهداء؛ «کتاب سید الشهداء» یکی از گردان‌هایی است که از سال ۲۰۰۳ م با نیروهای آمریکا در عراق می‌جنگید و از سال ۲۰۱۱ م نقش مؤثری در جنگ سوریه ایفا کرده است. اعضای این گردان را شیعیان عراقی تشکیل داده‌اند و هدف خود از حضور در سوریه را محافظت از آرامگاه «حضرت زینب» اعلام کرده‌اند.^۴

حرکه النجباء؛ جنبش مقاومت اسلامی حرکت حزب الله النجباء که به اختصار گردان «النجباء» نامیده می‌شود را گروهی از شیعیان نزدیک به جمهوری اسلامی تشکیل داده‌اند (همان).

جریان‌های فکری – سیاسی شیعه عراق و روند دولت‌سازی

جریان‌های شیعی عراق که در زمان حکومت صدام به دلیل جو خفقان حاکم بر کشور و شکنجه و... مجبور به کوچ اجباری از عراق شدند به فعالیت‌های سیاسی خود ادامه دادند تا اینکه با سقوط صدام به کشور بازگشتند و موقعیت خود را ارتقاء دادند. در حالی که عراق دارای نشانه‌هایی از خشونت تاریخی اجتماعی است؛ اما جریان‌های فکری شیعه در عراق پس‌اصداً قابلیت لازم برای ساختن جامعه و دولت دموکراتیک را از خود نشان دادند و خیلی سریع به صحنه سیاسی عراق وارد شدند؛ البته، همین گسترش جریان‌های شیعی نشانه‌هایی از بحران و ستیز را از سوی بعضاً کشورهای منطقه مثل عربستان و کشورهای غربی با تشکیل گروه‌های معارض مثل داعش را به همراه داشت. در مقابل

^۳ www.tasnimnews.com

^۴ fa.abna۲۴.com

این چالش‌ها، مدیریت جریان‌های فکری را، حوزه‌ی علمیه نجف با محوریت آیت‌الله سیستانی بر عهده داشت؛ معظم‌له در بیانیه‌ها، فتواها و مکتوبات خود بر دولت‌سازی و حمایت از دولت تأکید داشتند (الرفاعی، ۲۰۱۴م، ص ۳۰)، بر این اساس، او جامعه مدنی و دولت مدنی را برای عراق مناسب می‌داند (البغدادی، ۲۰۱۰م، ص ۱۶۷). آیت‌الله سیستانی معتقد است فرآیند جامعه یا ملت‌سازی بر اساس الگوی جامعه مطلوب مورد نظر خود، به زمان زیادی نیاز است. به‌ویژه، قدرت دولت قوی، حاکمیت قانون، عدالت، برابری، امنیت، انسجام و... را برای رسیدن به آن نیاز دارد. از این‌رو مرجعیت برای عبور از بحران و رسیدن به آرمان‌شهر خود، دولت‌سازی را در اولویت اهتمام خود گذاشت و گفتمان سیاسی و اجتماعی مرجعیت نجف اشرف بعد از ۲۰۰۳م را بر اساس دولت‌سازی و به موازات آن فرهنگ‌سازی قرار می‌دهد (میراحمدی و مرز، ۱۳۹۶، ص ۷۹).

دولت-ملت‌سازی بدون توسعه‌ی سیاسی، نامحتمل است. بر این اساس، توسعه‌ی سیاسی با تشکیل دولت از طریق رقابت حزبی صورت می‌گیرد و نیاز به یک فرهنگ سیاسی فعال و مشارکتی در جامعه دارد. این وضعیت بعد از سقوط نظام اقتدارگرای دیکتاتوری صدام در جامعه‌ی عراق با برگزاری انتخابات پارلمانی تاکنون چهار دوره برگزار شد و انتخابات شوراها به‌وجود آمد. روند دولت-ملت‌سازی و شکل‌گیری دولت ملی، یکی از مسائل بسیار مهم و اساسی در روند حیات سیاسی و اجتماعی عراق است. شکل‌بندی دولت تحت تأثیر بحران‌های منطقه‌ای با نشانه‌هایی از تغییر و دگرگونی همراه خواهد شد. فرایندهای دولت‌سازی دموکراتیک در بسیاری از کشورهای خاورمیانه تابعی از ضرورت‌های مشترک هستند. سازوکارهای استعمار غربی همواره بر روندهای قدرت‌سازی و سازوکارهای حکومت در کشورهای منطقه تأثیر گذاشته است. در هیچ حوزه جغرافیایی نمی‌توان نشانه‌هایی از فقدان امنیت را مشاهده کرد. امنیت‌سازی در بسیاری از کشورها تابعی از ساختار اقتدارآمیز دولت تلقی می‌شود (بروکر، ۱۳۸۳، ص ۳۱۵).

نقش‌یابی بازیگران فراملی را می‌توان در زمره موضوعات دیگری دانست که مشکلات امنیتی کشورهایی همانند عراق در روند دولت‌سازی دموکراتیک را افزایش می‌دهد. به‌عبارت دیگر، می‌توان تأکید کرد که ملاحظات امنیتی قدرت‌های بزرگ، همیشه نسبت به ملاحظات امنیتی قدرت‌های کوچک‌تر، توجه بیشتری را به خود جلب می‌کند؛ چون ملاحظات امنیتی قدرت‌های بزرگ بر الگوهای ستیز و وحدت در کل نظام بین‌المللی حکم فرماست. روند ملت-دولت‌سازی در عراق نیازمند آن است که روند یکپارچگی جغرافیایی، یکپارچگی ساختاری، یکپارچگی ژئوپلیتیکی، هویت ملی، دموکراسی، استقرار امنیت و... در فضای منطقه‌ای و بین‌المللی حاصل شود. حالت عکس همه این شرایط، نشان‌دهنده‌ی وجود یک کشور قدرتمند است.

با این وجود، تمامی جریان‌های فکری شیعی عراق پس از سقوط رژیم بعث به سمت دولت‌سازی قدم برداشتند؛ آنها ابتدا خواهان داشتن قانون اساسی بودند که در سال ۲۰۰۵م با ۱۳۹ ماده به تصویب رسید. متن این قانون، نوع نظام سیاسی عراق را معرفی می‌کرد. نظام سیاسی عراق پس‌اصدام، متشکل از یک مجلس نیابتی مقننه که مجریه و قضائیه را انتخاب می‌کند و یک دولت فدرالی همراه با استان‌های خودمختار تشکیل شده است. در این نوع از قدرت‌مداری که در زمره‌ی نظام‌های مردم‌سالار پارلمانی دسته‌بندی می‌شود، نخست‌وزیر قدرتمندترین در میان ارکان سه‌گانه است. مردم با آراء مستقیم نمایندگان مجلس را تعیین می‌کنند و مجلس موظف است، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر را انتخاب و تأیید صلاحیت کند.

تأثیر ائتلاف شیعیان در انتخابات مجلس در عراق جدید

اولین انتخابات پارلمانی پس از سرنگونی رژیم صدام در پانزدهم دسامبر ۲۰۰۵م برابر با ۲۴ آذر ۱۳۸۴ شمسی برگزار شد. نمایندگان این مجلس برای دوره‌های چهارساله از طریق رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شدند. در این انتخابات ۲۷۵ نماینده به مجلس راه یافتند. در شمارش نهایی «ائتلاف ملی عراق» به رهبری ابراهیم جعفری توانست ۴۱/۲ درصد آراء را به خود اختصاص دهد و پیروز میدان رقابت باشد. این نخستین انتخابات آزاد پارلمان عراق پس از تدوین قانون اساسی این کشور بعد از سقوط صدام بود و از این حیث از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده.

پیروز انتخابات ائتلاف ملی عراق، متشکل از گروه‌های متعدد شیعه بود که توانست ۱۲۸ کرسی از مجموع ۲۷۵ کرسی مجلس نمایندگان را به خود اختصاص دهد. با وجود تحریم انتخابات از سوی برخی احزاب سیاسی سنی مذهب عراق، حزب «جبهه توافق عراق» که متشکل از چند حزب سنی از جمله «حزب اسلامی عراق» و «تجمع مردم عراق» بود، ۴۴ کرسی و «شورای گفتگوی ملی عراق» نیز ۱۱ کرسی را به دست آورد. «ائتلاف میهنی عراق» تحت رهبری «ایاد علاوی» نیز ۲۵ کرسی کسب کرد و بقیه‌ی کرسی‌ها به احزاب و شخصیت‌های دیگر تعلق گرفت.

روند تشکیل دولت بعد از انتخابات دسامبر ۲۰۰۵م بسیار پیچیده بود و با وجود ائتلاف بین گروه‌های شیعی و کُرد عراقی، توافق بر سر پُست‌های ریاست جمهوری عراق، نخست‌وزیری و اعضای کابینه چندین ماه به طول انجامید. سرانجام جلال طالبانی به‌عنوان رئیس‌جمهور و نوری مالکی به‌عنوان نخست‌وزیر عراق انتخاب شدند. محمود المشهدانی از حزب التوافق (اهل سنت) هم رئیس پارلمان شد.

دومین انتخابات پارلمانی عراق در ۷ مارس ۲۰۱۰م برای تعیین ۳۲۵ نماینده دومین دوره‌ی پارلمان پس از سرنگونی صدام برگزار شد. در این انتخابات «ائتلاف العراقیه» به رهبری «ایاد علاوی» که بیشتر از اعراب سکولار شیعه و سنی تشکیل می‌شد با ۹۱ کرسی در جایگاه نخست قرار گرفت. «ائتلاف دولت قانون» به رهبری «نوری مالکی» نخست‌وزیر عراق با ۸۹ کرسی در جایگاه دوم قرار گرفت. «ائتلاف ملی» عراق که از گروه‌های مهمی همچون مجلس اعلای اسلامی عراق و جریان صدر تشکیل می‌شد با ۷۰ کرسی در جایگاه سوم قرار گرفت. جلال طالبانی به‌عنوان رئیس‌جمهور و نوری مالکی هم به‌عنوان نخست‌وزیر انتخاب شدند. اسامه النجیفی از فهرست الوطنیه ریاست پارلمان را بر عهده گرفت.

سومین انتخابات پارلمانی عراق روز دهم اردیبهشت ۱۳۹۳ (۳۰ آوریل ۲۰۱۴م) برگزار شد. این اولین انتخابات پارلمانی پس از عقب‌نشینی نظامیان آمریکایی از عراق در سال ۲۰۱۱م و سومین انتخابات از زمان سرنگونی صدام به‌شمار می‌رفت. بیش از ۲۷۷ حزب و جریان عراقی برای کسب ۳۲۸ کرسی با هم رقابت کردند. در این انتخابات مانند انتخابات‌های پیش، سه طیف شیعیان و اهل سنت و کُردها با ائتلاف‌های گوناگون با هم رقابت کردند.

«ائتلاف دولت قانون» به رهبری نوری مالکی نخست‌وزیر، «ائتلاف المواطن» به رهبری سید عمار حکیم رئیس مجلس اعلای اسلامی، «جریان صدر» شامل (کنله الأحرار و تجمع شراکه الوطنیه و تیار النخب) سه جریان اصلی و با نفوذ شیعه در این انتخابات بودند که حائز بیشترین آراء شدند. با این حال حیدر العبادی به‌عنوان نخست‌وزیر و فؤاد معصوم به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شدند. سلیم الجبوری هم رئیس پارلمان شد (خبرگزاری تسنیم، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۶).

چهارمین انتخابات پارلمان عراق در ۱۲ می ۲۰۱۸م (۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۷) برای گزینش ۳۲۹ عضو مجلس عراق برگزار شد. انتخابات ۲۰۱۸م دومین انتخابات مجلس این کشور بعد از خروج کامل نیروهای آمریکایی از عراق در سال ۲۰۱۱م چهارمین انتخابات بعد از سقوط صدام و نخستین انتخابات سراسری پس از شکست کامل داعش بود.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ساختاربندی احزاب در عرصه انتخابات جاری، تکرار ائتلاف‌های انتخاباتی شیعیان است که در مقایسه با دوره‌های پیشین بی‌سابقه است. طی این دوره، ائتلاف‌های انتخاباتی شیعیان به ۵ گروه مهم رسیده است.

الف) ائتلاف نصر و اصلاح؛ ریاست این ائتلاف بر عهده‌ی حیدر العبادی نخست‌وزیر عراق می‌باشد. این ائتلاف بیش از ۲۰ حزب و تشکل سیاسی را مانند، حزب «فضیلت»، جنبش «مستقلون» به ریاست «حسین شهرستانی» و جریان «اصلاح» به ریاست «ابراهیم جعفری» و فراکسیون «عطاء» به ریاست «فالح فیاض» و دیگر شخصیت‌ها و نیروهای سیاسی از جمله وزیر سابق دفاع «خالد العبیدی» که ریاست جنبش «بیارق الخیر» را بر عهده دارد و همچنین حزب «معاهدون» به ریاست رئیس دیوان وقف سنی «عبداللطیف الهمیم» و حزب «الوفاء» به ریاست «قاسم الفهداوی» با خود داشت (خبرگزاری مشرق نیوز، ۱۲ اسفند ۱۳۹۶).

ب) ائتلاف فتح؛ بدنه‌ی اصلی این ائتلاف شامل بسیج مردمی عراق در روند مبارزه با گروه‌های تروریستی و به‌ویژه «الحشد الشعبی» است. ریاست آن را ابوحنسن عامری با محوریت حزب بدر بر عهده دارد. از برجسته‌ترین احزاب و جریان‌های سیاسی عضو ائتلاف فتح می‌توان به سازمان بدر، «مجلس اعلاهی اسلامی»، «کتاب امام علی (ع)» و «حزب‌الله عراق»، جنبش اسلامی عراق به رهبری «احمد جاسم صابر الاسدی»، «جنبش الصدق و العطاء» به ریاست «مرتضی علی الساعدی»، «حزب الطلیعة الاسلامی» به ریاست «خضیر عباس الاماره»، «جنبش الجهاد و البناء» به ریاست «حسن راضی الساری»، فراکسیون «منتصرون» به ریاست «مهدی علی جابر المکصوصی»، جنبش «الصادقون» به ریاست «عدنان الدلیمی»، حزب «تجمع ملی» مستقل به ریاست «فلاح حسن الجزائری»، حزب «المهینین للاعمار» به ریاست «محمد صاحب الدراجی»، تجمع «کفی صرخه للتدبیر» به ریاست «رحیم الدراجی»، تجمع «عراق المستقل» به ریاست «ابراهیم محمد بحر العلوم»، تجمع «عدالت و وحدت» به ریاست «عامر الفایز»، فراکسیون «وفاداری و تغییر» به ریاست «اسکندر جواد وتوت»، «حزب‌الله عراق» به ریاست «سالم محسن البهادلی»، «مجلس اعلاهی اسلامی عراق» به ریاست «همام باقر الربیعی»، «سازمان العمل الاسلامی العراقیة» به ریاست «محمد جاسم الاسدی»، جنبش «اسلامی ۱۵ شعبان» به ریاست «رزاق یاسر الموسوی»، تجمع «شبکی‌های دموکراتیک» به ریاست «حنین محمود القدو» و برخی گروه‌های وابسته به طایفه‌ی ایزدی اشاره کرد.

ج) ائتلاف دولت قانون؛ این ائتلاف به ریاست نوری مالکی معاون رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر سابق عراق، متشکل از تعدادی از جنبش‌ها، جریان‌ها و شخصیت‌های سیاسی عراق است که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

«حزب دعاة الاسلام» به ریاست «خضیر موسی الخزاعی»، جنبش «النور» به ریاست «محمد کاظم الهنداوی»، جریان «الوسط» به ریاست «موفق باقر الربیعی»، جنبش «بشائر الشباییه» به ریاست «یاسر محمد المالکی»، فراکسیون «معا للقانون» به ریاست «محمد عبدالساده جعاز»، حزب «المدنی» به ریاست «حمد یاسر غالب الموسوی»، جریان «فرهنگی ملی» به ریاست «علی احمد وتوت»، تجمع «امناء بلدنا» به ریاست «قصی عبدالوهاب السهیل» و جریان «ولائون الاسلامی» به «ریاست کمال علی خلف».

د) ائتلاف سائرون للاصلاح؛ این ائتلاف به ریاست «حسن عاقولی» از حزب «استقامت» وابسته به جریان صدر به رهبری مقتدی صدر، حزب «کمونیست عراق»، حزب «الدولة العادله»، حزب «الشباب للتغییر»، حزب «الترقی و اصلاح» و حزب «التجمع الجمهوری العراقی» تشکیل شده است.

ه) جریان حکمت ملی؛ به ریاست «عمار حکیم» نیز به‌صورت مستقل و بدون ائتلاف با سایر احزاب شیعه در انتخابات پارلمانی عراق حاضر می‌شود (شیعه نیوز، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۶).

در این انتخابات ائتلاف سائرون با محوریت مقتدی با ۵۴ کرسی صدر بیشترین کرسی پارلمان را کسب کرد. پس از آن ائتلاف «الفتح» با رهبری هادی العامری با ۴۷ کرسی، ائتلاف النصر با رهبریت «حیدر العبادی» ۴۲ کرسی، ائتلاف «دوله القانون» با محوریت نوری المالکی با ۲۶ کرسی حائز رتبه‌های دو تا چهارم شدند و ائتلاف «الحکمه» با محوریت عمارالحکیم در رتبه ششم قرار گرفت. نکته مهم این است که ائتلاف‌های شیعیان در رده‌ای بالا قرار گرفتند، گرچه تعدد حزب و ائتلاف شاید در آینده عراق چالش برانگیز بوده و باعث شود که روند دولت‌سازی با مشکل روبه‌رو شود.

نقش نهادهای فکری شیعه در فرآیند دولت‌سازی

یکی از جریان‌های تأثیرگذار بر دولت‌سازی عراق، نهاد حوزه علمیه نجف به عنوان یک نهاد مذهبی، همچنین ایدئولوژی تشیع به عنوان نهاد عقیدتی دیگر می‌باشند که با مشروعیت بخشیدن به احزاب و انتخابات به حمایت از آن‌ها پرداختند. به همین دلیل یکی از موضوعات بنیادین تأثیرگذار در فرآیند دولت‌سازی دموکراتیک را می‌توان سازوکارهای مربوط به ایجاد نهادهایی دانست که از زیرساخت‌های فرهنگی و ایدئولوژیک برخوردارند. کشورهای که دارای ایدئولوژی‌های متعارض یا هویت‌های درهم تنیده قومی، مذهبی و زبانی هستند، عموماً در روند سازمان‌دهی دولت‌سازی دموکراتیک با چالش‌های متعددی روبه‌رو می‌شوند. کشور عراق هم جزء چنین کشورهایی است که دارای قومیت‌ها، زبان عربی، کردی، ترکی و... و فرقه‌های شیعی، سنی و... می‌باشد. ارزیابی چنین کشورهایی نشان می‌دهد که ایدئولوژی می‌تواند نقش مؤثری در فرآیند انسجام‌بخشی یا انسجام‌گریزی ساختاری ایفا کند. در چنین فرآیندی ایدئولوژی‌های سیاسی با انگیزه‌ی بازیگران بین‌المللی پیوند می‌یابد. ایدئولوژی سیاسی می‌تواند نقش همبستگی را با نهادهای بین‌المللی و قدرت‌های بزرگ ایفا کند. به‌طور کلی می‌توان تأکید کرد، به موازات حرکت به سمت پایین طیف، یعنی به سمت حکومت‌های ضعیف‌تر، تعیین مصداق امنیت ملی سخت‌تر می‌شود و مفهوم امنیت ملی که عمدتاً ناظر به تهدید خارجی است، به‌طور فزاینده برای تهدیدهای داخلی اولویت قائل می‌شود. ایدئولوژی سیاسی زیرساخت لازم را برای همبستگی گروه‌های اجتماعی و بازیگران منطقه‌ای فراهم می‌سازد. در کشورهایی همانند عراق که روند دولت‌سازی دموکراتیک با مشکلات ساختاری روبه‌رو شده، ایدئولوژی از اهمیت اثربخشی و تأثیرگذاری راهبردی برخوردار است. وقتی دولت‌ها برای حکومت کردن بیش از آنکه به اجماع و وفاق عمومی متکی باشند، بر زور تکیه کنند و وقتی با اقتدار آنان در داخل به‌طور جدی و با وسایل قهرآمیز مقابله شود، آنگاه مفهوم امنیت ملی، معنای اجتماعی-سیاسی خود را از دست می‌دهد (بروکر، ۱۳۸۳، ص ۲۹۵).

هنگامی که قدرت سیاسی و ایدئولوژی حکومت مشروعیت گسترده‌ای ندارد و با زور مورد چالش قرار می‌گیرد، آنگاه عناصر محوری امنیت ملی از قبیل سبک و سیاق سیاسی، ایدئولوژی و نهادها، محتوای روشنی نخواهند داشت. حتی مفهوم استقلال می‌تواند در مواردی که اقلیتی با زور بر اکثریتی تسلط دارند، مورد تردید واقع شود؛ همان‌طور که نقل می‌شود که یک دیپلمات آمریکایی، دیکتاتوری فرانکو در اسپانیا را به عنوان دولتی بدون مردم بالای سر مردم و علیه مردم توصیف کرد. بر این اساس رویکرد ایدئولوژی شیعی و حوزه نجف، بر هم‌زیستی مسالمت‌آمیز همه فرقه‌ها و اقوام و داشتن جامعه‌ای امن و دولتی قوی تأکید دارد.

نقش جریان‌های فکری نظامی - امنیتی بر تحولات عراق جدید

همان‌گونه که ذکر شد به دلیل شرایط امنیتی عراق و اشغال آن، شیعیان عراق نیروهای بسیج مردمی مثل حشد الشعبی، کتائب اهل حق و... برای امنیت عراق جهت دولت‌سازی تأسیس نمودند که تأثیر زیادی بر این روند داشت. اصولاً روندهای سیاسی محیط منطقه‌ای بر ترکیب کلی آنا‌رشی بین‌المللی تأثیری بسیار عمیق دارد. در سطح بین‌المللی، آنا‌رشی شکل غیرمتمرکز ساختار سیاسی است. این امر شبیه آنا‌رشی افراد نیست که در آن نظم سیاسی وجود ندارد؛ یعنی وضعی که هابز از آن سخن می‌گفت. ادعای کشورها مبنی بر داشتن استقلال یعنی ادعای آنان مبنی بر داشتن حق کامل خودمختاری، آن چیزی است که نظم سیاسی نظام نوین بین‌المللی را مشخص می‌سازد. اگر کشورها مستقل هستند، آنگاه طبق تعریف، ساختار روابط آن‌ها، مبتنی بر آنا‌رشی است. واقعیت‌های محیط امنیتی خاورمیانه نشان می‌دهد که در بسیاری از مواقع نامنی مشکل همه دولت‌ها و احتمال وقوع جنگ همیشگی است. می‌توان شرایط آنا‌رشیستی را تصور کرد که در آن ارزش‌های مثبت ساختار غیرمتمرکز، به حداکثر و بازتاب‌های منفی نامنی و جنگ به حداقل خود می‌رسند. شرط ضروری و نه کافی برای هر تصویر بی‌خطر از آنا‌رشی این است که سیستم مذکور متشکل از حکومت‌های قوی و یکپارچه باشد، به هر میزانی که این حکومت‌ها از لحاظ داخلی چندپاره و در نتیجه ضعیف باشند، به بی‌ثباتی و ناامنی سیستم بین‌المللی و نه نظم آن بیشتر کمک خواهد کرد. هرگونه بی‌ثباتی در عراق آثار خود را به محیط پیرامونی منتقل می‌کند. بنابراین دولت‌سازی در عراق را نمی‌توان صرفاً به عنوان موضوعی داخلی تحلیل کرد، بلکه دولت‌سازی در هر یک از کشورهای منطقه‌ای دارای آثار و پیامدهای اجتماعی و امنیتی در محیط پیرامونی خواهد بود.

یکی دیگر از تئوری‌های مربوط به دولت‌سازی دموکراتیک را می‌توان بر اساس نقش محیط امنیتی تحلیل کرد. به‌طور کلی محیط امنیتی می‌تواند زمینه‌های لازم را برای اثرگذاری بر فرآیندهای دولت‌سازی دموکراتیک به وجود آورد. تحقق این امر تا حد بسیار زیادی بستگی به قوی یا ضعیف بودن حکومت‌ها دارد. محیط‌های امنیتی خاورمیانه عموماً با چالش‌های دولت‌سازی دموکراتیک روبه‌رو هستند؛ به همین دلیل، هرگونه دولت‌سازی نیازمند تغییر در فضای عمومی محیط امنیتی بوده است (متقی، ۱۳۹۰، ص ۷). یکی از واقعیت‌های بنیادین در شکل‌گیری امنیت منطقه - ای را می‌توان مربوط به سازوکارهای ناشی از آنا‌رشی بین‌المللی دانست. محیط منطقه‌ای خاورمیانه عموماً آنا‌رشی منطقه‌ای و بین‌المللی را بازتولید می‌کند. امنیت‌سازی که یکی از شرایط دولت - ملت‌سازی است، در چنین محیط‌هایی شیوه‌ای است که در آن تشکیلات و اقتدار سیاسی نه به شکل یک مجموعه، بلکه، به صورت بخش‌بخش واگذار شده‌اند. بنابراین، آنا‌رشی بین‌المللی در دعوی خود دایره بر اینکه دستگاهی صاحب انتظام است، متکی بر قدرت و ثبات سیاسی کشورهای تشکیل‌دهنده آن می‌باشد. بر این اساس یکی از شرایط دولت‌سازی در عراق داشتن امنیت است که توسط جریان‌های نظامی شیعی انجام می‌شود. به‌گونه‌ای که جریان‌های نظامی شیعی عراق در انتخابات چهارمین دوره مجلس عراق نقش مهمی در پیروزی ائتلاف شیعیان داشتند. در عرصه بهره‌گیری از توانمندی‌های حشد الشعبی در بُعد نظامی و امنیتی عراق پساداعش، نخست باید به نقش‌آفرینی این نیروها در جلوگیری از طرح از پیش برنامه‌ریزی‌شده بازیگران خارجی و داخلی برای تجزیه‌ی عراق اشاره کرد. این واقعیت که بسیج مردمی پس از فتوای آیت‌الله سیستانی برای مقابله با گسترش پیش‌روی داعش توانسته است، یکپارچگی عراق را مجدداً در صحنه‌ی سناریوهای آینده این کشور قوت بخشد و بخش‌های وسیعی از خاک این کشور مجدداً به کنترل دولت مرکزی عراق بازگرداند، غیر قابل انکار است. لذا، می‌توان انتظار داشت که حشدالشعبی در آینده به عنوان یک نیروی نظامی در

درون نیروهای مسلح فعالیت خواهد داشت و سازمان‌دهی جدیدی انجام خواهد شد؛ بنابراین، با توجه به نیازمندی‌های وسیع در ابعاد امنیتی و اقتصادی (سازندگی) در عراق پس‌اداعش و ماهیت نیروهای حشد الشعبی به لحاظ ایمانی و انگیزشی در جهت خدمت به جامعه و مردم، این نیروها را می‌توان یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده آینده این کشور ارزیابی کرد.

نتیجه‌گیری

عراق در زمره کشورهای قرار دارد که دارای تنوع قومی است و به این دلیل با چالش‌های هویتی، زبانی، مذهبی و قومی روبه‌رو بوده و هست. در عین حال، چالش‌هایی را کشورهای غربی و بعضاً عرب منطقه برایشان به‌وجود آوردند. در چنین شرایطی، جریان‌های شیعی عراق کار دشواری برای آینده دولت‌سازی در عراق دارند؛ چرا که، روند دولت‌سازی در عراق تحت تأثیر مؤلفه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و الگوی کنش نخبگان شکل می‌گیرد؛ اما این را هم باید پذیرفت که به قدرت رسیدن شیعیان اسلام‌گرای عراق چیزی نبود که خوشایند آمریکا و غرب و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس باشد. لذا، ایالات متحده از قدرت گرفتن اسلام‌گرایان شیعه ناخرسند بود و تلاش داشت تا از طریق تقویت هم‌پیمانان شیعی سکولار خود جلوی این اتفاق را بگیرد. از طرفی مسأله هویت ملی، جهادگرایان، سیاست کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی در قبال عراق در پرونده‌هایی چون دولت مرکزی، گُردها و اهل سنت، مسأله مبارزه با فساد، رویکردهای سیاسی احزاب و ائتلاف‌های سیاسی از این فاکتورهایی است که روند دولت-ملت‌سازی را تهدید می‌کند. با این حال، این را باید پذیرفت که بهترین فرصت برای جریان‌های شیعه عراق در طول تاریخ این کشور رقم خورد و اگر رویکرد اتحادی را در پیش بگیرند، خواهند توانست چالش‌های پیش رو را کاهش دهند.

منابع

- آزر، ادوارد؛ این مون، چونگ (۱۳۷۹). امنیت ملی در جهان سوم. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله (۱۳۸۴). نقش گروه‌های معارض عراقی در روابط ایران و عراق. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- برنابلدچی، سیروس (۱۳۸۷). نقش شیعیان در ساختار سیاسی عراق. تهران: معاونت سیاسی ناجا.
- بروکر، پل (۱۳۸۳). رژیم‌های غیردموکراتیک؛ نظریه‌ها، سیاست و حکومت. ترجمه علیرضا سمیعی اصفهانی. تهران: انتشارات کویر.
- بغدادی، سامی (۲۰۱۰). مبادی الدوله والقیاده لدی مراجع الحوزه العلمیه. نجف: مطبعه البینه.
- جمالی، حسین (۱۳۸۰). تاریخ و اصول روابط بین‌الملل. تهران: نشر نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۵). تاثیر ژئوپلیتیک عراق بر امنیت کشورهای پیرامونی. پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- خبرگزاری تسنیم، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۶.
- خبرگزاری مشرق نیوز، ۱۲ اسفند ۱۳۹۶.
- خرم‌شاد، محمدباقر؛ نادری، احمد (۱۳۹۰). نقش حزب الدعوه الاسلامیه در گفتمان مقاومت جنبش شیعی عراق. شیعه‌شناسی، ۹(۳۳)، ص ۱۶۷-۱۹۹.
- دهشیار، حسین (۱۳۸۲). مسائل ایران و عراق. بی‌جا: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- رفاعی، عبدالجبار (۲۰۱۴). مفهوم الدوله فی مدرسه النجف. بی‌جا: نشر مومنون بلاحدود.
- روزنامه شرق، ۱۳۹۰/۳/۲۶.
- شیعه نیوز، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۶.
- طالقانی، سید علی (۱۳۸۲). ترمینولوژی جریان‌شناسی فرهنگی. حوزه، شماره ۱۱۹.
- طاهری عطار، غزاله (۱۳۹۲). طراحی و تبیین الگوی ملت‌سازی پایدار. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۲(۷).
- قوام، عبدالعلی؛ زرگر، افشین (۱۳۸۹). دولت‌سازی ملت‌سازی و نظریه روابط بین‌الملل، چهارچوبی تحلیلی برای فهم و مطالعه جهان دولت-ملت‌ها. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- کرمی، حسین (۱۳۸۷). اوضاع معاصر کشورهای اسلامی و تاریخ سیاسی عراق. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گازنیوروسکی، مارک (۱۳۷۹). مشروعیت رژیم و امنیت ملی. در: امنیت ملی در جهان سوم. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گلی، محمد (۱۳۹۶). حشد الشعبی، روابط با دولت و الزامات آینده. اندیشکده راهبردی تبیین.
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۰). ایران در راهبرد و سیاست خارجی اوپاما. تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- متقی‌زاده، زینب (۱۳۸۴). جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس. قم: مؤسسه شیعه‌شناسی.
- مستند جدارالماء: مصاحبه با سران الحشد الشعبی. قابل دسترس در: www.aparat.com
- موصلی، احمد (۱۹۹۸). سیره و حیاة الامام الخوئی. بیروت: دارالهادی.
- میراحمدی، منصور؛ مرزه، محمدحسین (۱۳۹۶). جریان‌های فکری سیاسی عراق پس از ۲۰۰۳. علوم سیاسی، ۲۰(۷۷).